Family Pathology, Counseling &Enrichment Journal
2014, 1 (1),32-45
Received:02 Nov 2014
Accepted: 16 Mar 2015

دو فصلنامه آسیب شناسی، مشاوره و غنی سازی خانواده
۴۵-۳۲ ، (۱)۱، ۱۳۹۳
دریافت: ۱۳۹۳/۸/۱۱
پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۲۵

بررسی بهزیستی روان شناختی و شادکامی زناشویی در طول چرخه های مختلف زندگی

Investigation the Psychological Well-Being and Marital Happiness across the Life Course

Khaled Aslani
Soraya Ebrahimi Pour
Abbas Amanelahi

خالد اصلانی *
ثریا ابراهیمی پور **
عباس امان الهی ***

Abstract
The purpose this study was to investigate the psychological well-being and marital happiness in family life cycles in married men and women in dezful city. The sample study was 251 married people that selected from four life cycles in family life: young couple, family with young children, family whit adolescent and families at midlife (launching children and moving). The participants were asked to complete Marital Happiness Scale (MHS) and Psychological Well-being Scale (PWBS). In order to analyze the data, used of two factor variance and tukey follow up test. The results showed that there are significant differences between in happiness, and there is significant difference between couple with young children and couple with adolescents. Also,among four life cycle groups, there are not significant differences in psychological well-being.

Keyword: psychological well-being, marital happiness, Life Course

چکیده
هدف این پژوهش بررسی بهزیستی روان‌شناختی و شادکامی زناشویی در چرخه‌ی زندگی خانواده در زنان و مردان متأهل در شهرستان دزفول بود. نمونه‌ی مورد مطالعه ۲۵۱ فرد متأهل که از چهار چرخه‌ی زندگی شامل زوج‌های جوان، خانواده‌های با فرزند خردسال، خانواده‌های دارای فرزند نوجوان و خانواده در میانه‌ی زندگی (جدا شدن فرزندان از خانواده) انتخاب شدند. از شرکت کنندگان خواسته شد پرسشنامه‌ی بهزیستی روان شناختی و شادکامی زناشویی را تکمیل کنند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس دو عاملی و آزمون پیگیری توکی استفاده شد. یافته‌ها نشان دادند که بین گروه-های چهار مرحله‌ی زندگی در شادکامی زناشویی تفاوت معناداری وجود دارد. نمرات زوج‌های دارای فرزند خردسال و زوج‌های با فرزند نوجوان دارای تفاوت معنیی داری هستند. همچنین بین زنان و مردان متأهل از نظر بهزیستی روان شناختی در چهارچرخه‌ی زندگی تفاوت معناداری وجود نداشت.

کلمات کلیدی: *بهزیستی روانشناختی، شادکامی زناشویی، چرخه زندگی*

*. استادیار گروه مشاوره دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول) kh.aslani@scu.ac.ir
**. کارشناس ارشد مشاوره خانواده دانشگاه شهید چمران اهواز
***. استادیار گروه مشاوره دانشگاه شهید چمران اهواز

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.3.2]

مقدمه

با این‌که زندگی خانوادگی فرایندی دایمی و تعاملی است و به هیچ وجه به صورت خطی جلوه نمی‌کند، لیکن وجود و هستی آن به صورت خطی در بعد زمان جریان داد. بهزیستی روان‌شناختی به معنای قابلیت یافتن تمام استعدادهای فرد است. بهزیستی روان‌شناختی در جنبه های مختلف زندگی افراد همچون پذیرش‌های اجتماعی، داشتن روابط با افراد، صمیمیت، احساس کارآمدی، برخورداری از جایگاه‌های اجتماع، سهم بسزایی دارد (کیز، ۲۰۰۲).احساس بهزیستی از چند جنبه اهمیت دارد. تأمین سلامت روانی، جسمانی و افزایش طول عمر، اثبات ارزش شادکامی برای انسان، اندازه‌گیری شاخص کیفیت زندگی در کنار شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی. در واقع بهزیستی روانی بزرگ‌ترین آرزو و مهم‌ترین هدف زندگی بشر است که بیش از هر عامل دیگری بهداشت روانی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (دینر، ساه، لاکاس و اسمیت[1]، ۱۹۹۹).

آنچه که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، بررسیی فرایند بهزیستی روان شناختی در طول چرخه های زندگی زوجین بود. برخی تحقیقات نشان داده اند که بهزیستی خانواده در طول چرخههای زندگی به شکل U می باشد یعنی در مرحله ای که زوجین هنوز بچه دار نشده اند، بهزیستی بالایی را تجربه می کنند و در دو مرحله بعدی یعنی متاهلین دارای فرزند خردسال و متاهلین دارای فرزند نوجوان بهزیستی پایینی را تجربه می کنند و در نهایت متاهلین دارای بچه های ازدواج کرده بهزیستی بالایی را تجربه می کنند. بسیاری از محققان در تحقیقات خود در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به این نتیجه U شکل بودن منحنی بهزیستی روان‌شناختی و سن رسیدند (فافچمپس و شیلپی[2]، ۲۰۰۸؛ پاوداو[3]، ۲۰۰۳؛ سانفی و تکسوز[4]، ۲۰۰۷؛ اسنیک[5]، ۲۰۰۴؛ اوپال، ۲۰۰۶؛).

پژوهش های دیگری نشان می دهند که U شکل بودن منحنی بهزیستی در طول چرخه‌های زندگی خانواده همواره صحیح نبوده و چهار نقطه در مورد شکل منحنی وجود داشته که به صورت: زوال، L شکل، به صورت قله‌ها و دره‌ها و افزایش مستمر می‌باشد. براساس پژوهشی که کارستنس، ایساکویز و تارک–چالز[6] (۱۹۹۹) انجام دادند، نتایج پژوهش نشان دهنده این می‌باشد که منحنی بهزیستی در طول

---

[1]-iener, Suh, Lacas, & Smith
2 - Fafchamps, &Shilpi
3 - Powdthavee
[4] - Sanfey, &Teksoz
[5] - Senik
[6]- Carstensen, Isaacowitz, & Turk-Charles

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.3.2]

چرخه‌های زندگی همیشه U نمی‌باشد و در بعضی فرهنگ ها متفاوت می‌باشد.. براساس پژوهشی که چارلز، رینولد و گتز[1] (۲۰۰۱) انجام دادند، نتایج پژوهش نشان دهنده این می‌باشد که منحنی بهزیستی در طول چرخه‌های زندگی همیشه U نمی‌باشد و در بعضی فرهنگ ها متفاوت می‌باشد. در بررسی که فیشر[2] (۲۰۰۹) انجام دادند نتایج پژوهش از U شکل بودن منحنی بهزیستی در طول چرخه‌های زندگی پشتیبانی نمی‌کند. در بررسی که وان لندگم[3] (۲۰۰۸) انجام داد، نتایج پژوهش با U شکل بودن بهزیستی روان‌شناختی در طول چرخه‌های زندگی مخالف بوده است. در بررسی که ایسترلین[4] (۲۰۰۶) در ایالت متحده بر روی U شکل بودن بهزیستی روان‌شناختی در طول چرخه‌های زندگی انجام داده است نتایج پژوهش با U شکل بودن این رابطه مخالف است. در بررسی که گلن (۲۰۰۹) در ایالت متحده بر U شکل بودن بهزیستی روان‌شناختی و سن انجام داده است نتایج پژوهش بر U شکل بودن این رابطه صحه نمی‌گذارد.

از طرفی شادکامی جنبه ای از عواطف انسانی است که دارای جنبه‌ها و تجلیات مختلف فردی–اجتماعی، روانی–جسمانی و شناختی–عاطفی می‌باشد. ازآن‌جا که شادکامی تأثیر کمی و کیفی زیادی بر زندگی دارد، در فرآیند تحول و توسعه مورد تأکید و توجه قرار گرفته است (وینهون[5]، ۱۹۹۳). مطالعه روابط زوج ها می‌تواند به تصحیح چهارچوب ساختاری روابط زوج‌ها کمک کند. مهم ترین اجزای کیفیت روابط زناشویی، شادکامی زناشویی است که نشان دهنده سطح شادکامی در ابعاد متنوع از روابط زناشویی است (داش، تیلور، کروگر[6]، ۲۰۰۸). به طور ضمنی سطحی از شادکامی تعیین کننده از درگیری‌های سطح پایین و ویژگی‌های رفتاری (مانند سطح سازگاری) و ارتباطات (از قبیل، تمایل به ازدواج با شریک فعلی در مورد احتمال بازگشت به روز اول) است (کیرنس و لاندر[7]، ۲۰۰۴). شادکامی زناشویی یک ساختار موازی (اما مترادف نیست) با رضایت است، که شامل ابعاد نگرش و همچنین احساسات و عواطف مثبت است (ون لانینگام[8]، جانسون و آماتو، ۲۰۰۱). بنابراین، شادکامی زناشویی نشان دهنده ابعاد ذهنی ذهنی کیفیت روابط زناشویی و به نحوی مشابه با معنای بهزیستی روان‌شناختی در روانشناسی مثبت نگر است (لوئیس و اسپنیر[9]، ۱۹۷۹؛ پیمنتل[10]، ۲۰۰۰)، اما با تمرکز بیشتر بر جنبه‌های فردی در مقایسه جنبه

1- Reynolds, &Gatz,
2- Fischer
3- Van Landeghem
4 - Easterlin
5-Veenhoven
6-Dush, Taylor, & Kroeger,
7 - Kearns, & Leonard,
8- VanLaningham
9 - Lewis, &Spanier,
10 - Pimentel

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.3.2]

های شخصیتی شادکامی یکی از مهم ترین پیش بینی کننده‌های سازگاری زناشویی در رویدادهای زندگی (عیسی نژاد، احمدی و اعتمادی[1]، ۲۰۰۸). کیمبل و ویلیز[2](۲۰۰۶) عقیده دارند که شادکامی مانند مانند سلامتی یا سرگرمی یک ویژگی خوب با درجه بالا است.واندر، وینسیرز، اسچوارز، کاچنهوف،کلیر، بلنینگ[3](۲۰۰۹) نشان دادند که رضایت از زندگی و شادکامی زناشویی در طول چرخه های زندگی به صورت منحنی U شکل می‌باشد. با این وجود پژوهش های زیادی وجود دارد که مخالف این ایده می باشد از جمله در بررسی که وان لندگم (۲۰۰۸) انجام داده است نتایج پژوهش با U شکل بودن رابطه بهزیستی روان‌شناختی و شادکامی در طول دوران زندگی مخالف بوده است. در بررسی که بنچلفورد و اولسولد (۲۰۰۴) بر روی ساختار شادکامی در طول چرخه های زندگی انجام دادند نتایج از U شکل بودن این منحنی پشتیبانی نمی‌کند. با توجه به مطالب فوق سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که آیا شادکامی زناشویی و بهزیستی روان‌شناختی زوجین در طول چرخه‌های مختلف زندگی تغییر می‌کند؟

روش

تحقیق حاضر توصیفی و از نوع همبستگی می‌باشد. از آن جا که این تحقیق در صدد اندازه‌گیری و بررسی روابط و پیوندهای بین متغیرهای مورد مطالعه می‌باشد، بنابراین از روش همبستگی استفاده می‌شود.جامعه آماری در این پژوهش کلیه زوج‌های چهار چرخه زندگی در شهرستان دزفول در سال ۱۳۹۲ می‌باشد. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند تعداد ۲۴۰ زوج، از هر چهار چرخه زندگی تعداد ۶۰ زوج (۳۰ مرد، ۳۰ زن) انتخاب و پرسشنامه‌ها در میان آن‌ها توزیع شد.

ابزار پژوهش

پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی: پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی شامل ۷۷ ماده است که برای سنجش بهزیستی روان‌شناختی می‌باشد. این ابزار توسط ریف و کیز (۱۹۹۵) تهیه شده است و برای اولین بار زنجانی طبسی(۱۳۸۳) آن را در ایران اجرا کردند. این پرسشنامه از ۶ خرده مقیاس و به صورت طرح لیکرت نمره‌گذاری می‌شود. بیانی، کوچکی و بیانی (۱۳۸۷) ضریب پایایی به روش بازآزمایی مقیاس بهزیستی روانشناختی ریف را ۰/۸۲و همسبتگی مقیاس بهزیستی روانشناختی را با مقیاس های رضایت از زندگی، پرسشنامه شادکامی آکسفورد و پرسشنامه عزت نفس روزنبرگ به ترتیب ۰/۴۷، ۰/۵۹ و ۰/۴۶ گزارش

[1] - Isanezhad, Ahmadi, &Etemadi,
[2]- Kimball & Willis
[3]- Wunder, Wiencierz, Schwarze, Küchenhoff, Kleyer,&Bleninger

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.3.2]

نمودند. زنجانی طبسی(۱۳۸۳) برای بررسی روایی محتوایی این پرسشنامه خرده مقیاس‌های آن را با هم همبسته نمود که ضرایب همبستگی به دست آمده بین خرده خرده مقیاس‌های آن، نشان دهنده روایی نسبتا مطلوب این پرسشنامه می‌باشد. این نتایج نشان می‌دهند که پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی از روایی محتوایی لازم برخوردار است.

پرسشنامه شادکامی زناشویی: مقیاس شادکامی زناشویی توسط آزرین، ناستر، و جونز در سال ۱۹۷۳ ساخته شده است. این ابزار دارای ده سؤال می‌باشد که میزان کلی شادکامی زناشویی را در نه حیطه متفاوت از روابط زن و شوهر با استفاده از شاخص های تک ماده‌ای می‌سنجد. برای بدست آوردن شاخص کلی شادکامی زناشویی می‌توان نمرات کل سولات را جمع کرد. دامنه‌ی نمرات کل مقیاس بین ۱۰ تا ۱۰۰ است. پرسشنامه شادکامی زناشویی که توسط ثنایی (۱۳۷۹) ترجمه شد دارای ۱۰ آیتم است که عبارتند از: مسئولیت نسبت به خانواده، پرورش و تربیت فرزندان، فعالیت‌های اجتماعی، پول، ارتباط کلامی (گفت و شنود) و غیر کلامی، روابط جنسی، پیشرفت تحصیلات، استقلال خود، استقلال همسر و خرسندی کامل. در مطالعه‌ی حاضر ضریب آلفای بدست آمده برای پرسشنامه ۰/۷۹ می‌باشد و برای بررسی روایی این پرسش نامه، از پرسش نامه‌ی شاخص رضایت زناشویی انریچ استفاده شد و همبستگی این دو آزمون را با استفاده از یک نمونه‌ی ۱۰۰ نفری ۰/۷۴ به دست آمد.

یافته ها

در این بخش یافته‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های زنان و مردان متأهل چهار گروه در متغیرهای شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی ذکر شده است.

جدول ۱

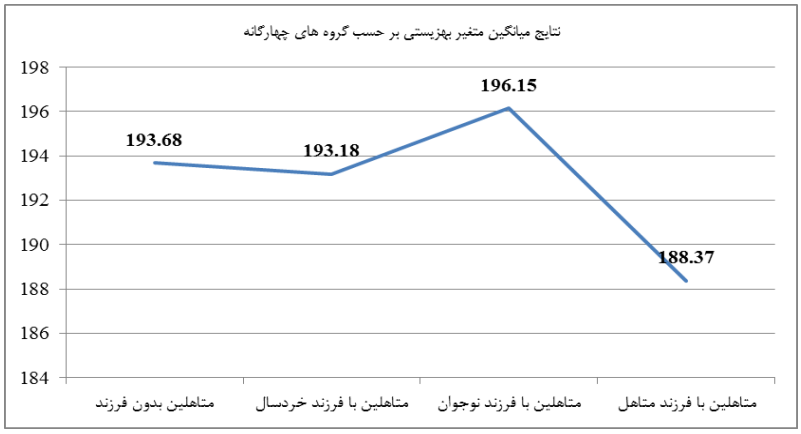
میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای شادکامی و بهزیستی در زنان و مردان گروه‌های چهار گانه

گروه	شاخص	شادکامی		بهزیستی	
		مردان	زنان	مردان	زنان
متأهلین بدون فرزند(۷۷نفر)	میانگین	۷۱/۱۵	۷۳/۷۷	۱۹۷/۱۵	۱۹۰/۹۳
	انحراف استاندارد	۱۵/۰۶	۱۴/۸۱	۲۷/۴۶	۱۹/۸۴
متأهلین دارای فرزند خردسال (۵۷نفر)	میانگین	۸۰/۷۹	۷۵/۳۹	۱۹۱/۲۱	۱۹۵/۲۱
	انحراف استاندارد	۱۱/۹۲	۱۳/۷۲	۱۹/۳۴	۱۲/۹۲
متأهلین دارای فرزند نوجوان (۶۰نفر)	میانگین	۷۲/۲۱	۶۸/۵۳	۱۹۸/۲۵	۱۹۴/۳۱
	انحراف استاندارد	۱۴/۲۳	۱۵/۱۴	۲۳/۹۰	۲۱/۲۶
متأهلین دارای فرزند ازدواج کرده (۵۷نفر)	میانگین	۷۴/۷۱	۷۴/۱۵	۱۸۵/۰۳	۱۹۲/۳۵
	انحراف استاندارد	۱۱/۰۳	۹/۸۸	۲۷/۳۲	۲۱/۳۹

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-28]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.3.2]

جـدول ۱ میـانگین و انحـراف اسـتاندارد متغیرهـای شـادکامی و بهزیسـتی زنـان و مـردان گروه های چهارگانه را نشان مـی‌دهـد. در ابتـدا بـا اسـتفادهاز میـانگین‌هـای بهزیسـتی زنـان و مـردان در گروه‌های چهارگانـه نمودارهـایی رسـم گردیـد سـپس بـه منظـور بررسـی سـؤال تحلیـل واریـانس دو عاملی انجام گرفت و برای مشـخص کـردن دقیـق تفـاوت‌هـا آزمـون پیگیـری تـوکی بـه کـاربرده شد.



نمودار ۱ نتایج میانگین متغیرهای بهزیستی مردان وزنان درگروه‌های چهار گانه

نمودار ۱ رابطه بین بهزیستی و چرخه‌ی زندگی زنان و مردان را نشان می‌دهد. با توجه بـه اینکـه در این پژوهش متأهلین گروه‌های چهارگانه از دو جنس زن و مـرد بودنـد، بـرای تحلیـل‌هـای مربـوط بـه تفاوت های بین متأهلین مرد و زن گروه‌های چهارگانه در متغیر وابسته، یک تحلیل واریـانس دو عـاملی انجام شد. جدول۲ نتایج تحلیل واریانس عاملی برای مقایسه میانگین بهزیستی مردان و زنان، گروه‌هـای چهارگانه، تعامل جنسیت و گروه‌های چهارگانه را نشان می دهد.

جدول۲

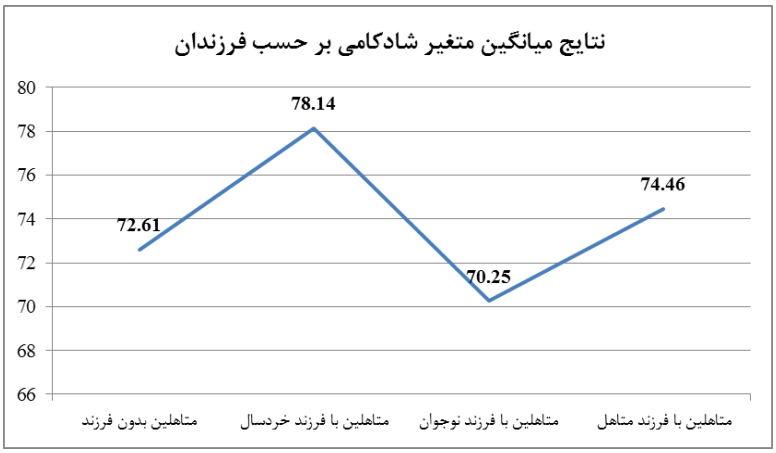
نتایج تحلیل واریانس عاملی برای مقایسه میانگین بهزیستی مردان و زنان، گروه‌های چهارگانه ، تعامل جنسیت و گروه‌های چهارگانه

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطحمعنی‌داری
گروه	۱۷۷۱/۲	۳	۵۹۰/۴	۱/۱۹	۰/۳۱۱
جنسیت	۵/۲۲	۱	۵/۲۲	۰/۱۱	۰/۹۱
گروه × جنسیت	۱۹۴۶/۲	۳	۶۴۸/۷	۱/۳۱	۰/۲۷

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.3.2]

براساس جدول ۲ در گروه‌ها، سطوح معنی‌داری بیانگر آن است که بین گروه‌های چهارگانه، از لحاظ متغیر وابسته (بهزیستی) تفاوت معنی‌داری وجود ندارد (p=۰/۳۱۱). و همچنین که F مشاهده شده جنسیت، معنی‌دار نمی‌باشد (p=۰/۹۱). این یافته گویای آن است که بین متأهلین زن و مرد از لحاظ متغیر بهزیستی روان شناختی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. به عبارت دیگر، مردان و زنان متأهل از بهزیستی روان شناختی تقریباً یکسانی برخوردارند. همچنین، تعامل بین گروه‌ها (گروه‌های چهارگانه) و جنسیت (مرد و زن)، نیز معنی دار نیست، که نشان می دهد بین گروه‌های حاصل از ترکیب سطوح مختلف جنسیت و گروه های متأهلین چهارگانه از لحاظ بهزیستی روان شناختی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد (p= ۰/۲۷).

همچنین در مورد شادکامی زناشویی، در ابتدا با استفادهاز میانگین‌های شادکامی زنان و مردان در گروه‌های چهارگانه نموداری رسم گردید سپس به منظور بررسی سؤال‌ها تحلیل واریانس دو عاملی انجام گرفت و برای مشخص کردن دقیق تفاوت‌ها آزمون پیگیری توکی به کاربرده شد.



نمودار۲ نمودار میانگین شادکامی مردان و زنان در گروه‌های چهار گانه

نمودار ۲ رابطه بین شادکامی زناشویی و چرخه‌ی زندگی زنان و مردان را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه در این پژوهش متأهلین گروه‌های چهارگانه از دو جنس زن و مرد بودند، برای تحلیل‌های مربوط به تفاوت‌های بین متأهلین مرد و زن گروه‌های چهارگانه در متغیر وابسته، یک تحلیل واریانس دو عاملی انجام شد. جدول۳ نتایج تحلیل واریانس عاملی برای مقایسه میانگین شادکامی زناشویی مردان و زنان، گروه‌های چهارگانه ، تعامل جنسیت و گروه‌های چهارگانه را نشان می دهد.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-28]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.3.2]

جدول ۳

نتایج تحلیل واریانس دوعاملی برای مقایسه میانگین شادکامی مردان و زنان، گروه‌های چهارگانه و تعامل جنسیت و گروه‌های چهارگانه

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری
گروه	۱۹۰۸/۵	۳	۶۳۶/۱۷	۳/۴۸	۰/۰۱۷
جنسیت	۱۸۹/۰۷	۱	۱۸۹/۰۷	۱/۰۳	۰/۳۱
گروه × جنسیت	۶۲۲/۶	۳	۲۰۷/۵۴	۱/۱۳	۰/۳۳

همان‌طور که در جدول ۳ ارائه شده است، در گروه‌ها، مقدار Fبرابر ۴۸/ ۳ می‌باشد که این مقدار معنادار می‌باشد (p=۰/۰۱۷) و نشان می‌دهد که بین گروه‌های چهارگانه، از لحاظ متغیر وابسته (شادکامی) تفاوت معنی‌داری وجود دارد. برای بررسی معنی دار بودن گروه‌های دوتایی از آزمون پیگیری توکی استفاده گردید. همچنین F مشاهده شده جنسیت، معنی‌دار نمی‌باشـد (p=۰/۳۱). این یافته گویای آن است که بین متأهلین زن و مرد از لحاظ متغیر شادکامی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. به عبارت دیگر، مردان و زنان متأهل از شادکامی تقریباً یکسانی برخوردارند. همچنین، تعامل بین گروه‌ها (گروه-های چهارگانه) و جنسیت (مرد و زن)، نیز معنی‌دار نیست، که نشان می‌دهد بین گروه‌های حاصل از ترکیب سطوح مختلف جنسیت و گروه‌های چهارگانه از لحاظ شادکامی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد (p= ۰/۳۳).

جدول ۴

نتایج آزمون پیگیری توکی مربوط به تفاوت میانگین نمره‌های مؤلفه شادکامی زناشویی در گروه‌های چهارگانه

	تفاوت میانگین‌ها در بین گروه‌ها			
گروه	متأهلین بدون فرزند	متأهلین دارای فرزند خردسال	متأهلین دارای فرزند نوجوان	متأهلین دارای فرزند ازدواج کرده
متأهلین بدون فرزند	–	–	–	–
متأهلین دارای فرزند خردسال	۵/۵۳	–	–	–
متأهلین دارای فرزند نوجوان	۲/۳۶	۷/۸۹*	–	–
متأهلین دارای فرزند ازدواج کرده	۱/۸۴	۳/۶۸	۴/۲۰	–

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-28]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.3.2]

همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود: مقایسه میانگین نمره‌ها با استفاده از روش پیگیری توکی نشان می‌دهد که هم در مردان و هم در زنان به ترتیب گروه‌های متأهلین دارای فرزند خردسال و متأهلین دارای فرزند نوجوان، نمره بیشتری در شادکامی کسب کرده‌اند. همچنین با توجه به سطوح معنی‌داری مشخص شده ($p<۰/۰۱$) بین گروه‌های متأهلین دارای فرزند خردسال و متأهلین دارای فرزند نوجوان تفاوت معنی‌داری وجود دارد اما بین سایر گروه‌های دوتایی رابطه معنادار وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی بهزیستی روان شناختی و شادکامی زناشویی در طول چرخه های مختلف زندگی بود. یافته‌های حاصل از تحلیل واریانس عاملی نشان داد که بین گروه‌های چهارگانه از نظر شادکامی تفاوت معنی داری وجود دارد. مقایسه میانگین نمره‌ها با استفاده از روش پیگیری توکی نشان می‌دهد که هم در مردان و هم در زنان به ترتیب گروه‌های متأهلین دارای فرزند خردسال و متأهلین دارای فرزند نوجوان، نمره بیشتری در شادکامی کسب کرده‌اند. اما بین سایر گروه‌ها تفاوت معناداری وجود ندارد. نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج پژوهش کارستنس، ایساکویز و تارک–چالز[1] (۱۹۹۹)،چارلز، رینولد و گتز[2] (۲۰۰۱)،فیشر[3] (۲۰۰۹)، وان لندگم[4] (۲۰۰۸)، ایسترلین[5] (۲۰۰۶)، و گلن (۲۰۰۹)همخوانی دارد. اگرچه نتایج بعضی تحقیقات U شکل بودن منحنی شادکامی در طول چرخه‌های زندگی خانواده را نشان می‌دهد اما تحقیقات زیادی وجود دارند که شکل های دیگری را نشان می دهند که به صورت: زوال، L شکل، به صورت قله‌ها و دره‌ها و افزایش مستمر می‌باشد. و نتایج پژوهش حاضر نیز این یافته‌ها را تأیید می‌کند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که با تولّد فرزند، خانواده به صورت پایدار در می‌آید اگر زوجین بدون فرزند از یک دیگر جدا شوند خانواده منحل می‌شود. اما اگر والدین دارای فرزند از یکدیگر جدا شوند هم‌چنان والد فرزند خود باقی می‌مانند. و به علت این که زوجین مسئولیت پذیری بیشتری را احساس می‌کنند و می‌پذیرند که از نسل بعد مراقبت کنند. به نظر می‌رسد مجموع این کارها باعث ایجاد هدف در زندگی زوجین شده و ارتباطات خانواده گسترش می‌یابد. و انجام این وظایف و مسئولیت‌های جدید باعث می‌شود زوجین احساس بهتری در مورد خود داشته باشند و به تبع آن احساس رضایت از زندگی و شادکامی به دلیل حضور عضو جدید خانواده افزایش می‌یابد. و در دوره‌ی نوجوانی نیز خانواده مرزهای جدیدی را ایجاد می‌کند و امکان برخی تصمیم‌گیری‌ها را برای

[1]- Carstensen, Isaacowitz, & Turk-Charles
[2]- Reynolds, &Gatz,
[3]- Fischer
[4]- Van Landeghem
[5] - Easterlin

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.3.2]

نوجوان فراهم می‌کنند و این باعث فراغت بال زوجین برای رسیدن به امور شخصی خود می‌شود. آن‌ها در این مرحله به مرور وضعیت شخصی، شغلی، و رضایت زناشویی خود می‌پردازند. و باعث افزایش رضایت و شادکامی زوجین می‌شوند. از طرفی شیوه‌ی ارتباطات زوجین با فرزندشان تغییر می‌کنند و ارتباطات آن‌ها به شکل دو بزرگسال می‌شود و نشاط و سرزندگی نوجوان در خانواده تأثیر می‌گذارد و شادی را در خانواده افزایش می‌دهد. طبق نتایج حاصل از این پژوهش فرضیه‌ی یک تأیید می‌شود.

همان‌طور که یافته ها نشان داد که بین گروه‌های چهارگانه، از لحاظ بهزیستی روانشناختی تفاوت معنی داری وجود ندارد. همچنین F مشاهده شده جنسیت هم معنی‌دار نمی‌باشد. این یافته گویای آن است که بین متأهلین زن و مرد از لحاظ متغیر بهزیستی روان شناختی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. به عبارت دیگر، مردان و زنان متأهل از بهزیستی روان شناختی تقریباً یکسانی برخوردارند. نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج پژوهشوینهون (۱۹۹۳)، داش، تیلور، کروگر (۲۰۰۸)، کیرنس و لاندر (۲۰۰۴)، لوئیس و اسپنیر (۱۹۷۹)، پیمنتل (۲۰۰۰)، بنچلفورد و اولسولد (۲۰۰۴)، کیمبل و ویلیز(۲۰۰۶)، واندر، وینسیرز، اسچوارز، کاچنهوف،کلیر، بلنینگ(۲۰۰۹)، وان لندگم (۲۰۰۸)، و (عیسی نژاد، احمدی و اعتمادی، ۲۰۰۸) همخوانی دارد. بهزیستی روان‌شناختی به معنای قابلیت یافتن تمام استعدادهای فرد است. بهزیستی روان‌شناختی در جنبه های مختلف زندگی افراد همچون پذیرش‌های اجتماعی، داشتن روابط با افراد، صمیمیت، احساس کارآمدی، برخورداری از جایگاه‌های اجتماع، به خصوص در دوران جوانی سهم بسزایی دارد. در واقع بهزیستی روانی یا رضایت از زندگی بزرگ‌ترین آرزو و مهم‌ترین هدف زندگی بشر است که بیش از هر عامل دیگری بهداشت روانی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (دینر، ساه، لاکاس و اسمیت، ۲۰۰۳). در تبیین این یافته می‌توان گفت که شاید عوامل فرهنگی و محیطی در بهزیستی روان شناختی افراد بیش‌تر از دوره‌های زندگی تأثیر می‌گذارد. به نظر می‌رسد که بهزیستی روان شناختی در طی چرخه‌های زندگی تغییر چندانی نمی‌کند. عدم تأثیرپذیری این متغیر به عوامل زیادی بستگی دارد که پژوهش حاضر آن‌ها را مورد بررسی قرار نداده است. در هر صورت نتایج ما نشان می‌دهند که بهزیستی روان شناختی بین دوره‌های مختلف زندگی از الگوی خاصی پیروی نمی‌کند.در بررسی که فورت (۱۹۹۳) انجام داده است نتایج پژوهش نشان دهند این بوده که U شکل بودن منحنی بهزیستی در طول چرخه های زندگی خانواده همواره صحیح نبوده و چهار نقطه در مورد شکل منحنی وجود داشته که به صورت: زوال، L شکل، به صورت قله‌ها و دره‌ها و افزایش مستمر می‌باشد. براساس پژوهشی که کارستنس، ایساکویز و تارک–چالز[1] (۱۹۹۹) انجام دادند، نتایج تحقیق نشان دهنده این می‌باشد که منحنی بهزیستی در طول چرخه‌های زندگی همیشه U نمی‌باشد و در بعضی ملت‌ها متفاوت می‌باشد.

[1]- Carstensen, Isaacowitz, & Turk-Charles

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-28]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.3.2]

براساس پژوهشی که چارلز، رینولد و گتز[1] (۲۰۰۱) انجام دادند، نتایج تحقیق نشان دهنده این می‌باشد که منحنی بهزیستی در طول چرخه‌های زندگی همیشه U نمی‌باشد و در بعضی ملت‌ها متفاوت می‌باشد. در بررسی که فیشر[2] (۲۰۰۹) انجام دادند نتایج پژوهش از U شکل بودن منحنی بهزیستی در طول چرخه-های زندگی پشتیبانی نمی‌کند. در بررسی که وان لندگم[3] (۲۰۰۸) انجام داد، نتایج پژوهش با U شکل بودن بهزیستی روان‌شناختی در طول چرخه‌های زندگی مخالف بوده است. در بررسی که استرلین[4] (۲۰۰۶) در ایالت متحده بر روی U شکل بودن بهزیستی روان‌شناختی در طول چرخه‌های زندگی انجام داده است نتایج پژوهش با U شکل بودن این رابطه مخالف است. در بررسی که گلن (۲۰۰۹) در ایالت متحده بر U شکل بودن بهزیستی روان‌شناختی و سن انجام داده است نتایج پژوهش بر U شکل بودن این رابطه صحه نمی‌گذارد. نتیجه این پژوهش از لحاظ عملی می تواند بسیار پرکاربرد باشد، چرا که تصور U شکل بودن بهزیستی روانشناختی و شادکامی زناشویی می تواند درمانگران و مشاوران خانواده را در کارهای بالینی و کلینیکی به اشتباه محاسباتی بندازد. نتایج به دست آمده در این پژوهش بیانگر آن است که با توجه به مشکلات فرا روی خانواده ها در هر مرحله، بهزیستی روانشناختی و شادکامی زناشویی افراد تحت تاثیر متغیرهای خاص در هر مرحله قرار می گیرد و لزوما نمی توان به صورت ساده انگارانه ای فرض کرد که در مرحله اول و چهارم بهزیستی روانشناختی و شادکامی زناشویی بالا و در مراحل دوم و سوم این متغیرها پایین هستند. به درمان گران و مشاوران خانواده توصیه می شود در برنامه های آموزشی پیشگیری و درمانی خود به نتایج این پژوهش توجه داشته باشند.

[1]- Reynolds, &Gatz,
[2]- Fischer
[3]- Van Landeghem
[4] - Easterlin

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.3.2]

منابع

بیانی، علی اصغر؛ کوچکی، عاشور محمد و بیانی، علی (۱۳۸۷). روایی و پایایی مقیاس بهزیستی روانشناختی ریف. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران. سال چهاردهم، شماره ۲، تابستان، ۱، ۱۴۶-۱۵۱.

ثنایی، باقر (۱۳۷۹). مقایسه های سنجش خانواده و ازدواج، تهران، مؤسسه انتشارات بعثت.

زنجانی طبسی، رضا (۱۳۸۳). ساخت و هنجاریابی مقدماتی آزمون بهزیستی روان‌شناختی. پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی.دانشگاه تهران.

Blanchflower, D. G., & Oswald, A. J. (2004). Well-being over time in Britain and the USA.Journal of public economics, 88(7), 1359-1386.

Carstensen, Laura L, Isaacowitz, Derek M, & Charles, Susan T. (1999).Taking time seriously: A theory of socioemotional selectivity.American Psychologist, 54(3), 165.

Charles, Susan Turk, Reynolds, Chandra A, &Gatz, Margaret. (2001). Age-related differences and change in positive and negative affect over 23 years. Journal of personality and social psychology, 80(1), 136.

Diener, Ed, Suh, Eunkook M, Lucas, Richard E, & Smith, Heidi L. (1999). Subjective well-being: Three decades of progress. Psychological bulletin, 125(2), 276.

Dush, C., M., K., Taylor M., G. & Kroeger, R., A. (2008).Marital happiness and psychological well-being acrossthe life course. Family Relations, 57(2): 211-226.

Easterlin, Richard A. (2006). Life cycle happiness and its sources: Intersections of psychology, economics, and demography. Journal of Economic Psychology, 27(4), 463-482.

Fafchamps, Marcel, &Shilpi, Forhad.(2008). Subjective welfare, isolation, and relative consumption.Journal of Development Economics, 86(1), 43-60.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-28]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.3.2]

Fischer, J. A. V. (2009). Happiness and Age Cycles – Return to Start...?: On the functional relationship between Subjective Well-being and Age, OECD Social, Employment and Migration Working Papers 99, OECD, Directorate for Employment, Labour and Social Affairs.

Glenn, Norval. (2009). Is the apparent U-shape of well-being over the life course a result of inappropriate use of control variables? A commentary on Blanchflower and Oswald (66: 8, 2008, 1733–1749). Social Science & Medicine, 69(4), 481-485.

Isanezhad, O., Ahmadi, S. A., &Etemadi, O. (2008).Subjective well-being and marital quality. Handbookof third national conference of Iranian family pathology: 250-253.

Kearns, J. N., & Leonard, K. E., (2004). Social networks, structural interdependence, and marital quality overthe transition to marriage: A prospective analysis. Journal of Family Psychology, (18): 383-395.

Keyes, Corey L., M. (2002). The mental health continuum: From languishing to flourishing in life. Journal of health and social behavior, 207-222.

Kimball, Miles, & Willis, Robert.(2006). Utility and happiness.University of Michigan.

Lewis, R. A., &Spanier, G. B. (1979).Theorizing about the quality and stability of marriage. 268-294 inW. R. Burr, R . Hill, F. I. Nye, and I. L. Reiss (Eds.), Contemporary Theories About the Family (1). NewYork: The Free Press.

Pimentel, E. F., (2000). Just how do i love thee? Marital relations in urban China. Journal of Marriage and the Family 62, 32–47.

Powdthavee, Nattavudh. (2003). Is the structure of happiness equations the same in poor and rich countries? The case of South Africa.

Ryff, C. D., Keyes, C. L. M. (I 995). The structure of psychological well-being revisited. Journal of Personality and Social Psychology,(69), 719- 727.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-28]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.3.2]

Sanfey, Peter, &Teksoz, Utku. (2007). Does transition make you happy? 1. Economics of Transition, 15(4), 707-731.

Senik, Claudia. (2004). When information dominates comparison: Learning from Russian subjective panel data. Journal of Public Economics, 88(9), 2099-2123.

Uppal, Sharanjit.(2006). Impact of the timing, type and severity of disability on the subjective well-being of individuals with disabilities.Social science & medicine, 63(2), 525-539.

Van Landeghem, Bert, G., M. (2008). Human well-being over the life cycle: Longitudinal evidence from a 20-year panel: LICOS Discussion Paper.

VanLaningham, J., Johnson D. R., &. Amato, P. R. (2001). Marital happiness, marital duration, and the U shapedcurve: Evidence from a five-wave panel study. Social.Forces., (79): 1313-1341.

Veenhoven, R. (1984). Conditions of happiness. Dordrecht: D. Reidel Publishing Company.

Wunder, C., Wiencierz, A., Schwarze, J., Küchenhoff,. H., &Kleyer, S. (2009). Well-being over the life span: semiparametric evidence from British and German longitudinal data, IZA discussion papers, No4155,urn:nbn:de:(101):1-20090513533.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-28]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.3.2]